

روزنه

محمدرضا عارف: در بحث معیشتی شرم‌نده مردم هستیم

● محمدرضا عارف، رئیس فراکسیون امید مجلس، در آستانه چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی با ایلنا گفت‌وگویی انجام داده که خلاصه آن در ادامه می‌آید:
کاش به جای اینکه با مطالبات کار کنیم، دنبال افزایش درآمَد ملی بودیم. ابتدا چاه را می‌کندید و بعد منار را جابه‌جا می‌کردیم. این گرفتاری ما در برنامه‌های توسعه‌ای است. توجه نمی‌شود با چه منابعی می‌خواهیم این برنامه را اجرا کنیم یا به عبارتی در چهار دهه گذشته بیش از اینکه ثروت ملی و امکانات را افزایش دهیم، مطالبات را بالا برده‌ایم؛ در نتیجه شرایط امروز، ما در بحث معیشتی شرم‌نده مردم هستیم. همه دلشان می‌خواهد کمک کنند؛ اما به این علت که نتوانستیم ثروت تولید کنیم و رشد اقتصادی برجسته‌ای داشته باشیم و منابع ملی را بالا ببریم، نمی‌توانیم پاسخ‌گو باشیم.
● متأسفانه ما با تورم قانون روبه‌رو هستیم. در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که برای هر مسئله قوانین مختلفی وجود دارد و تفسیرهای گوناگون از قوانین زمینه برخورد سلیقه‌ای و فساد را ایجاد می‌کند. ما تشکیلات نظارتی فراوانی داریم؛ اما متأسفانه این تشکیلات نظارتی وظیفه قانونی و اصلی خود را به خوبی انجام نمی‌دهند و این با به دلیل محدودیت‌ها یا در رودربایستی‌هایی است که در فرهنگ ما وجود دارد.

● انقلاب ما فرهنگی بود؛ اما متأسفانه روی فرهنگ مردم و جوان‌ها آن‌طور که باید کار نکردیم یا گرفتاری‌های زیادی داشتیم یا عموماً آتَهایی که ذاتاً وظیفه فرهنگی داشتند، خود را در امور حاکمیتی و اجرایی قرار دادن و امروز می‌بینیم که عمده گرفتاری‌های ما ناشی از فاصله‌گرفتن از فرهنگ اصیل اسلامی و پرداختن به امور حاشیه‌ای است.
● ما به‌هیچ‌عنوان نگران دشمن خارجی نیستیم؛ اما از درون نگرانی جدی داریم. دشمن هیچ وقت نمی‌تواند به ما آسیب بزند؛ اما اگر دقت نکنیم، با غرور کاذب، برخورد‌های شعراش‌گونه و گسترش فساد از درون آسیب خواهیم دید. فاصله‌گرفتن مردم از انقلاب و ارزش‌های آن، شروع شکست و اضمحلال انقلاب است.
● مشکل ما امروز این است که حقیقتاً سرمایه اجتماعی خود را تا حدودی از دست داده‌ایم البته من این سرمایه اجتماعی را سرمایه اجتماعی نظام نمی‌دانم و در حد دولت‌ها و مسئولان قلمداد می‌کنم. پیش‌تر اشاره کردم که مردم انقلاب را از خودشان می‌دانند و ما برای اینکه حضور مردم را داشته باشیم، باید مطالبات آنها را بپذیری کنیم و پاسخ‌گو باشیم.

● در این مسیر کند حرکت می‌کنیم. نمی‌خواهم بگویم عقبگرد داشته‌ایم که البته گاهی هم داشته‌ایم که بخشی از آن ناشی از فاصله‌گرفتن مسئولان از مردم است. گاهی یک مسئول باور می‌کند که صاحب انقلاب است و اوست که باید حرف آخر را بزند و خود را کارگزار مردم نمی‌داند؛ یعنی شایسته‌سالاری که جزء شعارهای انقلاب بود، باید حاکم شود.
● دشمنان می‌دانند که نمی‌توانند انقلاب را به شکست برسانند؛ اما می‌خواهند این حرکت را کند کنند و بخشی هم همین همه‌ج‌های رسانه‌ای است. به این علت که ما در داخل کشور رسانه‌هایی با اقتدار بالا نداریم که بخشی همه البته به دلیل رفتارهای دولتی‌ها است که اجازه ندهاند رسانه‌ها براساس تشخیص خود در یک فضای آزاد و رسانه‌ای کار خود را انجام دهند.
● ما نیاز به یک آسیب‌شناسی جدی و ارزیابی عملکرد داریم که کجا نگاه‌های قییم‌بانه داشتیم؛ حتی در مسائل فرهنگی باور من این است که نباید برخورد قییم‌بانه کنیم. یادمان باشد و بدانیم مردم صاحب انقلاب هستند و ما کارگزار مردم هستیم.
● رئیس مردم نیستیم. ما منویات آنها را کارگزاری می‌کنیم. اگر این نگاه در مسئولان ایجاد شود، در دهه پنجم راحت‌تر در مسیر پیشرفت حرکت خواهیم کرد.

● آنچه مهم است، این است که ما چاره‌اندیشی کنیم چرا بین مردم و مسئولان فاصله افتاده است که بخشی نتوانجیات کاری دارد و بخشی هم به مسائل شخصی افراد برمی‌گردد. به علت مسئله کاری مسئولان فرصت نمی‌کنند روی خود کار فرهنگی انجام دهند. ما به رشد فرهنگی نیاز اساسی داریم؛ چراکه کم‌کم ممکن است باورمان شود قدرت داریم و این خصلت انسان را فاسد می‌کند.

● با کمال تأسف در چند دهه گذشته با برخورد‌هایی مواجه بودیم که حذف افراد را در دستور کار قرار داده بودند. هیچ‌کس معصوم نیست. هرکسی ظرفیتی دارد. ویژگی انقلاب و هنر ما باید این باشد که عقبه خود را حفظ کنیم. متأسفانه گاهی در مقاطع مختلف برخورد‌هایی‌سی حذفی کرده‌ایم که فکر می‌کنم باید جدی به آنها پرداخته شود؛ و با ریشه‌یابی و حذف علل و عوامل آنها برخورد حذفی و غیراخلاقی از میان ما برداشته شود.
● آقای هاشمی‌رفسنجانی درباره همه همه‌جا هیچ‌گاه جوابی نداد و خیلی راحت از کنار مسائل عبور کرد. این مسئله نشان داد ایشان به معنای واقعی خودش را یکی از ستون‌های انقلاب می‌دانست و بنا نداشت به دلیل همه‌جا از انقلاب فاصله گرفته به نقش خود را کم‌رنگ کند؛ اما گاهی اتهام‌ها فردی نیست و نظام را هدف گرفته است که باید پاسخ بدیم.فطار آقای هاشمی به تحلیل و بررسی جامع نیاز دارد؛ بااین‌حال اگر شما تشییع آقای هاشمی را دیده باشید، متوجه می‌شوید مردم از جوسازی‌ها تأثیر نمی‌گیرند.

● «مخالفت علیه شاه، در طول دهه ۱۹۷۰، افزایش یافت و طیف گسترده‌ای از جامعه ایران را دربر گرفت. از جمله نویسندگان، شعرا، روزنامه‌نگاران، استادان و دانشجویان، مارکسیست‌ها و آزادی‌خواهان ملی‌گرا، روشنفکران غیردینی، سنت‌گراها و تجددگرایان اسلامی که دلمشغولی‌های مشترک همه آنها، فقدان مشارکت سیاسی، ازبین‌رفتن استقلال ملی و نبود هویت فرهنگی– مذهبی در جامعه‌ای بود که به طور فزاینده‌ای رو به سمت غربی‌شدن می‌رفت.»

جلال آل‌احمد

جلال آل‌احمد، یکی از اعضای سابق حزب توده، درباره خطرات علاقه افراطی ایران به غرب هشدار داد. اعتقاد اولیه او به برنامه نوسازی ایران، در انتقاد شدید و ستیزه‌جویانه‌اش از آنچه او

غرب‌زدگی می‌نامید، به اوج رسید:

غرب‌زدگی می‌گوییم، همچون وِبازدگی... دست‌کم چیزی است در حدود سن‌زدگی. دیده‌اید که گندم را چطور می‌پوساند؟ از درون پوسته سالم برجاست اما فقط پوست است. عین همان پوستی که از پروانه بر درختی مانده و اکنون در لوای این پرچم ما شبیه به قومی ازخودبیگانه‌ایم...

علی شریعتی

علی شریعتی، روشنفکر تحصیل‌کرده دانشگاه سوربن، نماینده نسل جدیدی از اندیشه‌گران معتقد به مذهب بود که دیدگاه‌های اصلاح‌گرایانه‌اش ترکیبی از ضد امپریالیسم جهان‌سومی، زبان علمی– اجتماعی غربی و شیعه‌گرایی ایرانی به منظور خلق ایدئولوژی انقلاب اسلامی برای اصلاح ساختار سیاسی– اجتماعی بود. او نیز در بیانات و نوشته‌های خود غرب‌زدگی را محکوم می‌کرد.

تفسیر شریعتی از اسلام، نگرش سوسیالیست‌های جهان‌سومی چون چه‌گوارا و فرانتس فانون را دربر می‌گیرد. همانند الیهون رهایی‌بخش شریعتی از کسانی که مذاهب سنتی را طرد می‌کردند، متمایز بود. در عوض او بر شکست امپریالیسم غربی که لازمه احیای هویت فرهنگی، مذهبی، اسلامی و ایرانی بود، تأکید داشت. زبیرانی دیدگاه انقلابی او یگانگی هویت ملی و عدالت اجتماعی بود و تنها نهضت متعهد به این برنامه می‌توانست به شکستن سیطره امپریالیسم جهانی، شامل شرکت‌های چندملیتی و امپریالیسم فرهنگی، نژادپرستی و استثمار طبقاتی، مظلومیت طبقاتی، تبعیض طبقاتی و غرب‌زدگی امید داشته باشد.

افکار و نگرش جلال آل‌احمد، علی شریعتی و مهدی بازرگان نسلی از دانشجویان و روشنفکران را که از طبقات سنتی و مدرن برآمده بودند، تحت تأثیر قرار داد. بسیاری از آنها تحصیل‌کردگان دانشکده‌های غیردینی بودند و شامل دانشمندان، مهندسان و سایر متخصصان می‌شدند. اغلب آنها در مناطق شهری می‌زیستند... این دانشجویان و متخصصان گرایش اسلامی، بعدها در مبارزه علیه شاه به جمع روحانیون، طلاب و بازاری‌ها پیوستند.

ایدئولوژی انقلاب

سیاست‌های سرکوب‌گرانه شاه، روشنفکران، ملی‌گرایان آزادی‌خواه، مارکسیست‌ها، روحانیون، تاجران و زمین‌داران را تحت تأثیر قرار داد و این عامل مشترکی را برای ایجاد نوعی نهضت و مخالفت گسترده پدید آورد. اسلام شیعی ثابت کرد که ماندنی‌ترین ابزار ریشه‌دار بومی برای بسیج یک نهضت توده‌های مؤثر است و قادر است مفهوم هویت و تاریخ، نمادهای ارزش‌های مشترک را برای رهبری قدرتمند مذهبی–سیاسی و مراکز سازمانی نهضت فراهم کند. اسلام شیعی، همچنین چارچوبی ایدئولوژیک عرضه کرد و از طریق آن به نهضت مظلوم و محروم مخالف با هر نوع طاووت معنا و مشروعیت بخشید، به نحوی که گروه‌های متنوعی توانستند در آن پیوندند و در آن فعالیت کنند. روحانیونی چون امام خمینی، مطهری، طالقانی و بهشتی در کنار ایدئولوگ‌های غیرروحانی، نظیر بازرگان، شریعتی، ایدئولوژی‌های انقلابی و اصلاح‌گرایانه را بسط دادند. تحت تأثیر نوشته‌های سنی‌مذهبان فعال اسلامی چون حسن البنا، سید قطب، محمد اقبال و مولانا ابوالعلی مودودی، مخالفان ایرانی– تاریخ و معتقدات شیعه را مطابق اوضاع و احوال خودشان بازتفسیر کردند. درنتیجه، ایدئولوژی انقلابی ایران، به نحو بازی ایرانی و شیعی بود. این عبارات نوشتار جان. ال. اسپوزیتو نویسنده کتاب انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن است که محسن مدیرشانه‌چی مترجم آن در مقدمه در باب انقلاب ایران می‌نویسد: «انقلاب ایران که گاه از آن به عنوان آخرین انقلاب قرن بیستم و گاه حتی واپسین انقلاب به مفهوم مصطلح و کلاسیک آن یاد می‌شود، بی‌گمان رویدادی شگرف و واقعه‌ای تاریخی، بلکه تاریخ‌ساز در سلسله رخدادها و تحولات سیاسی و اجتماعی عصر ما محسوب می‌شود. رویدادی که نه تنها در ایران به سرنگونی نظام سلطنتی چندهزارساله انجامید و سرمنشا تاریخ و تحولاتی تازه شد، بل در خارج از مرزهای این سرزمین نیز بازتاب‌ها و آثار متعدد و متنوعی را موجب شد.»

شعرا و آرمان‌ها

براساس آنچه در بالا اشاره شد، شاید از جمله

سیاست

عبور از ۴۰ سالگی انقلاب



مهم‌ترین شعارها و آرمان‌های انقلاب، زدودن کشور از تسلط فرهنگ غربی و دستیابی به استقلال و جمهوریت و برچیده‌شدن نظام شاهنشاهی بود. این مفاهیم در دل شعارهایی به دست می‌آید که در تجمعات، اعتراضات و اعتصابات سر داده شد. سایت تاریخ ایرانی در مطلبی در همین باره پرچم ما شبیه به قومی ازخودبیگانه‌ایم...

حافظه شنیداری و دیداری از انقلاب ۳۳ سال قبل محدود شده به چند شعار «مرگ بر شاه»، «استقلال آزادی، جمهوری اسلامی» و چند شعاری که با پاکسازی تهران برای همیشه از دیوار شهر و خاطره‌ها پاک شد. فریدون هویدا هم در کتاب «سقوط شاه» نوشته است: «هنوز مدتی از واقعه قم نگذشته بود که در ۱۸ فوریه ۱۹۷۸ [۲۹ بهمن ۱۳۵۶] چندین هزار تن از مردم تبریز به عنوان بزرگداشت چهل‌م گشته‌شکان حادثهٔ قم دست به تظاهرات زدند و به دنبال آن نیز شورشی پدید آمد که بنا به گفته شاهدان عینی، در خلال آن برای اولین بار شعار مرگ بر شاه شنیده شد.»

شعار مرگ بر شاه

شعار «مرگ بر شاه» گرچه در بهمن ۵۶ بر سر زبان‌ها افتاد، اما تا پاییز ۵۷ هنوز در باب فراگیری و کاربردش اختلاف‌نظر وجود داشت، چنانکه اکبر هاشمی‌رفسنجانی نقل کرده است: «وقتی من از [زندان] آمدم با دو جریان کاملاً روشن مواجه شدم؛ [یکی] جریان‌های غیراسلامی که آماده پیروزی انقلاب نبودند، آنها فکر می‌کردند بهتر است رژیم حفظ شود و شاه به‌صورت عروסקی باشد و سلطنت کند و حکومت نکند و آزادی مطبوعات و احزاب و این‌چور مسائل شود و می‌گفتند آدامگی اداره کشور را ندارند... حتی برای راهپیمایی‌ها که باید شعار تعیین می‌کردیم، همیشه این بحث را داشتیم که آنها می‌گفتند شعار «مرگ بر شاه» ندهیم... از اوایل محرم که درگیری‌ها زیاد شد و مردم بر پشت‌بام‌ها رفتند و حوادث سرچشمه پیش آمد و امام آن بیانیه «خون بر شمشیر پیروز است»، را دادند، موج جدیدی در مردم ایجاد شد و بود و ساواک ما را تهدید جدی می‌کرد که ما شعار مرگ بر شاه را تحمل نمی‌کنیم و در این مورد مرگ هر تعداد آدم را قبول داریم».

استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

در این میان به نظر می‌رسد از دل آن شعارها و آرمان‌ها آنچه بیش از پیش بر سر زبان‌ها افتاد و به نماد و آرمان انقلاب تبدیل شد، همان شعار معروف «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» است.

حجت‌الاسلام اشرفی‌اصفهانی هم در گفت‌وگویی با سایت تاریخ ایرانی درباره شکل‌گیری شعار اسلامی، آزادی، جمهوری اسلامی گفته بود: «... آن زمان بیشتر شعارهایی چون «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، «نهضت ما حسینی، رهبر ما خمینی»، «دیو چو بیرون رود، فرشته درآید»، «جاء الحق و زهق الباطل» و... مطرح بود... ابتدا شعار معروف بود... فضای مسجد سیاسی بود و اظهاراتی امام که فرمودند جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد، این شعار به استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی تغییر یافت. در آن زمان من هم در تحصن علما در دانشگاه تهران حضور داشتم و هم جزء مستقیلین در فرودگاه بودم. شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، از شعارهای کلیدی بود که در دوران اعتصابات و تظاهرات‌ها و... همواره مطرح می‌شد.»

در میان شعارها و آرمان‌هایی که هریک از احزاب و گروه‌ها در بحبوحه انقلاب سر می‌دادند، اما گویا شعاری که می‌توانست همه گروه‌ها را زیر یک چتر جمع کند، همین آرمان استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود.

کرباسچی: هنوز هم خواسته اکثریت مردم همان شعاراست

غلامحسین کرباسچی از جمله چهره‌هایی است که سابقه فعالیت سیاسی قبل از انقلاب را در کارنامه خود دارد. از ۱۱ سالگی به حوزه علمیه قم رفت و قبل از انقلاب معمم بود...« پدرش همراه با آقایان اشراقی و اسلامی جزء اصحاب بیت امام در قم بود. کسانی که آن زمان برای مسائل شرعی به بیت امام مراجعه می‌کردند، توسط این چند نفر به مسائلشان پاسخ داده می‌شد.» او در خاطراتی که برای روزنامه اعتماد نقل کرده، گفته خود او از ۱۲سالگی تحت تعقیب

هستند و تحقق آنها، آمال و آرزوی همه مردم است. بسیاری از این شعارها از دوره مشروطه تاکنون تکرار شده‌اند. آنچه محل ایراد و اشکال است، محقق‌نشدن شعارهای انقلاب است. یکی از مهم‌ترین این شعارها، شعار استقلال، آزادی است که این دو شعار هیچ‌گاه جداییت خود را از دست نمی‌دهند. هرچند درک امروز امثال من از این شعارها با ۴۰ سال پیش خیلی متفاوت است، اما اصل این شعارها هرگز اهمیت خود را از دست نمی‌دهد. جمهوریت یکی دیگر از شعارهایی بود که ما کمتر آن را تجربه کرده بودیم، ولی امروز ما تجربیات تلخ و شیرین فراوانی از این مقوله داریم».

بازرگان: سه‌گانه آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی به قوت خود باقی است

ابوالفضل بازرگان، برادرزاده نخست‌وزیر دولت موقت ۲۵۷ روز سمت ریاست دفتر نخست‌وزیر و معاونت نخست‌وزیر در امور اداری و مالی را بر عهده داشت. به روایت خودش همکاری او با مرحوم بازرگان به پیش از انقلاب بازمی‌گردد: «از سال ۳۹ که فضای سیاسی باز و جبهه ملی دوم تشکیل شد، دانشجویی دانشگاه پلی‌تکنیک تهران بودم و در کنگره‌های سیاسی از شروع کردم. در سال ۴۰ که جمعیت نهضت آزادی ایران تشکیل شد، نماینده پلی‌تکنیک در کمیته دانشجویی نهضت بودم. از سال ۴۱ تا ۴۵ که خارج از کشور بودم، فعالیت سیاسی را ادامه دادم؛ یعنی عضو هیئت اجرایی نهضت در اروپا و از اعضای جبهه ملی بودم و در کنگره‌های نهضت آزادی و جبهه ملی ایران شرکت می‌کردم و در یک دوره کوتاه، آموزش مبارزات چریکی نیز شرکت داشتم.

در سال‌های ۴۶ تا ۵۶، فعالیت‌های سیاسی علنی و آزاد، بسیار محدود بود. پس از پیروزی انقلاب، همواره عضو شورای مرکزی بوده و سال‌های زیادی عضو دفتر سیاسی و هیئت اجرایی نیز بودام. در بهار ۵۸ به‌عنوان معاون نخست‌وزیر منصوب شدم که این سمت تا استعفای دولت موقت ادامه داشت.

از سال ۵۶ و ۵۷ که مجددا فضای باز سیاسی ایجاد شده بود، در جلسات فعال‌سازی نهضت حضور داشتم و بعد هم به‌عنوان رئیس‌دفتر

نخست‌وزیر حضور داشتم. همکاری من در دفتر شادروان مهندس بازرگان قبل از پیروزی انقلاب شروع شد؛ زیرا در نیمه دوم سال ۵۷، اشتغال مهندس بازرگان از جهت ارتباط با خبرنگاران برای مصاحبه و ارتباط با پاریس زیاد شده بود و برای ایشان مقدرور نبود همه کارهای شرکت «صافاد» و فعالیت‌های سیاسی را انجام دهند. بنابراین به توصیه دوستان، از من خواستند به دفترشان در صافیدا بروم و با ایشان برای تنظیم ارتباطات سیاسی همکاری داشته باشم. این همکاری پس از آنکه ایشان به مدرسه رفاه منتقل شدند نیز ادامه یافت. به‌این‌ترتیب پیش از اینکه نخست‌وزیر شوند، من مسئول‌دفتر ایشان و مسئول برقراری ارتباطشان با نهاده‌ا و اشخاص بودم؛ البته من عضو ستاد استقبال از امام نیز بودم...».

بازرگان در گفت‌وگوی خود با «شرق»، در پاسخ به همین سؤال مشترک، آرمان‌های انقلاب را همان شعار سه‌گانه رسمی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی معرفی می‌کند.

او می‌گوید: «البته در بحث تقدم این سه‌گانه هم بحث وجود داشت؛ عده‌ای استقلال را مقدم بر آزادی می‌دانستند، اما نهضت معتقد بود آزادی بر استقلال تقدم دارد. همان‌گونه که قانون اساسی نیز آزادی را مقدم دانسته و صراح است که به خاطر استقلال نمی‌شود آزادی را محدود کرد؛ البته آزادی مشروع و قانونی و نه تعبیری که برخی از آقایان به لیبرالیسم و آزادی بی‌قیدوشرط دارند. آزادی به معنای آزادی تجمعات، آزادی بیان، احزاب و... معنای استقلال هم عدم وابستگی و تعهد به بلوک‌های قدرت است.

در باب جمهوریت نیز این معنا درک می‌شود که جمهوری باید مبتنی بر رای، مشارکت و حاکمیت مردم باشد. صفت یا پسوند اسلامی که به آن اضافه شده، به این معناست که قوانین و مقررات باید بر پایه ارزش‌های اسلامی باشد. در بعضی موارد، آزادی بیان و مطبوعات رعایت نمی‌شود و بعضی احزاب یا گروه‌های قانونی حق فعالیت آزاد ندارند. روزنامه‌ها گاهی با محدودیت در انتشار مطالب مواجه هستند. در بحث استقلال نیز نسبت به قبل از انقلاب، وضعیت متفاوت شده است، اما نباید شرایط را به حتمی برد که برای اینکه مجبور بشویم خودمان را حفظ کنیم، به سمت روسیه و چین میل پیدا کنیم. درباره جمهوریت هم همین اشکال دیده می‌شود؛ یعنی در انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری مردم نمی‌توانند به هر کسی که دارای صلاحیت تشخیص می‌دهند، رای بدهند یا خودشان را در معرض آرای قرار دهند. بنابراین به نظر می‌رسد در آستانه ۴۰سالگی انقلاب، همان شعارها به قوت خود باقی هستند و باید برای تحقق آنها بیش از گذشته برنامه‌ریزی و تلاش کرد و موانع قانونی را از پیش برداشت».

انقلاب در سال ۵۷ شرکت کرده‌اند، بر این نکته تأکید دارند که انقلاب ضرورت تاریخی ۴۰ سال قبل بود که باید رخ می‌داد و رخ داد.

خبر

علی مطهری در جلسه علنی:

مقامات قضائی موضوع لغو

سخنرانی لاریجانی را دنبال کنند

● **شرق:** روز گذشته در جلسه علنی مجلس موضوع لغو سخنرانی رئیس مجلس در کرج مطرح شد. علی مطهری، نایب‌رئیس مجلس، با اشاره به مخالفت امام جمعه کرج با سخنرانی رئیس مجلس در مراسم راهپیمایی ۲۲ بهمن این شهر، گفت: این‌شاءالله مقامات قضائی موضوع را دنبال می‌کنند. آقای وکیلی در نطق میان‌دستور خود درباره این مسئله صحبت کرد و البته سایر نمایندگانی هم که نوبشان نبود، درخواست بیان تذکر دراین‌باره را داشتند. ما به‌عنوان هیئت‌رئیس‌ه مجلس وظیفه دفاع از اقتدار و شان نمایندگان مجلس را بر عهده داریم. بهرام پارسایی سخنگوی فراکسیون امید هم در این زمینه در توییتی نوشت: «از مخالفان قوی‌ام امید هم در این زمینه اجرای کنسرت‌های قانونی، به مخالفت با سخنرانی رئیس مجلس شورای اسلامی رسیدیم؛ در چهلمین سالگرد انقلاب چه کسانی و چگونه باید از جمهوریت نظام و رای مردم حراست کنند؟ جایگاه مجلسی که بنیان‌گذار انقلاب آن را در رأس امور می‌دانستند امروز با این دخالت‌ها کجاست؟».

در پی مخالفت امام جمعه کرج در سخنرانی هفته گذشته با سخنرانی علی لاریجانی و سپس تجمع عده‌ای از مردم و طومارنویسی برای لغو سخنرانی رئیس مجلس، دفتر لاریجانی از لغو سخنرانی خبر داده بود.

دادستان تهران:

با انحصار گران اقلام ضروری بر خورد می‌شود

● **ایسنا:** دادستان تهران هدف دادستانی از تشکیل کمیته مقابله با گران‌فروشی را همکاری با دولت و استفاده از ظرفیت دستگاه‌های دولتی و مردم اعلام کرد و با هشدار به اخلاک‌ران در توزیع اقلام اساسی گفت: عده‌ای به فکر می‌کنند می‌توانند در این فضای آشفته، خود را پیش ببرند، باید بدانند که دادستانی مقصران اصلی این آشفتگی را در هر رده‌ای که باشند، تحت تعقیب قرار می‌دهد.جعفری:دولت‌آبادی با اشاره به اینکه، به‌منظور صیانت از حقوق عمومی، معاونان دادستان را از پشت میز به کف خیابان آورده‌ایم تا مشکلات مردم حل‌شود.
تأکید کرد دادستانی تهران به‌هیچ‌وجه قصد دخالت در کارهای دولت و دستگاه‌های اجرایی را ندارد.دادستان تهران گزارش‌هایی را که به‌تازگی به دادسرای تهران واصل شده است، مؤید این دانست که عده‌ای درصدد ایجاد انحصار یا کمبود عمدی عرضه گوشت قرمز هستند، خطاب به اخلاک‌گران در عرضه و توزیع کالا‌های اساسی مردم، عنوان کرد: اگر احراز شود که عده‌ای قصد انحصار یا کمبود عرضه گوشت و سایر اقلام ضروری را دارند، از موارد اخلال در نظام اقتصادی محسوب شده و با آنها برخورد می‌شود.او درباره ضرورت مدیریت سهمیه‌های گوشت اختصاص‌یافته به فروشگاه‌ها گفت: در شمال شهر تهران کمتر به این گوشت‌ها نیاز است، اما شاهد توزیع بیشتر گوشت در این مناطق نسبت به فروشگاه‌های مستقر در جنوب شهر هستیم.جعفری:دولت‌آبادی ضمن انتقاد از عرضه کالا به قیمت‌های مختلف در فروشگاه‌های مختلف افزود: با این عارضه باید برخورد شود و تمرکز اصلی بر کالا‌های اساسی مانند گوشت، مرغ، لبنیات و میوه خواهد بود.دادستان تهران از رئیس پلیس تهران خواست مأموران پلیس در مقابل فروشگاه‌ها و مراکز بزرگ عرضه کالا‌های اساسی استقرار بیشتری داشته باشند و با دلالاتی که فساد ایجاد می‌ی، برخورد جدی‌تر شود.

سعید جلیلی:

کار فرهنگی و تبیینی مؤثر با «فشار پیامکی» شکل نمی‌گیرد

● **جماران:** سعید جلیلی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، گفت: باید به برخی دوستان گفت همچنان که در سیاست خارجی، «فشار ایملی» و «تویستی» نمی‌تواند به تنهایی مؤثر واقع شود، در داخل هم کار فرهنگی و تبیینی مؤثر با «فشار پیامکی» شکل نمی‌گیرد بلکه باید با تبیین درست و مستمر موضوعات و تحلیل صحیح از روند حرکت انقلاب، رفتار دوستان و باور عمومی جامعه را به حقایق و آنچه صحیح است نزدیک کرد تا دشمنان نتوانند مطالب غلط را القاکنند.

انهدام شبکه اخلال در حوزه پتروشیمی با تلاش وزارت اطلاعات

● **ایسنا:** وزارت اطلاعات با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: سربازان کتمان امام زمان(عج) شبکه سازمان‌یافته اخلال در نظام اقتصادی کشور در حوزه پتروشیمی را در استان یزد شناسایی و متلاشی کردند.اداره کل اطلاعات استان یزد در این زمینه سه نفر از متهمان اصلی را دستگیر کرد. متخلفان با راه‌اندازی ۷۳ شرکت صوری و کاذبی، مواد اولیه پتروشیمی را با قیمت یارانه‌ای خریداری و در بازار به قیمت آزاد می‌فروختند و تاکنون گردش مالی مکشوفه آنها از این طریق سه‌هزار میلیاردریال بوده است.تحقیقات تکمیلی در این پرونده در حال اجراست و برخوردی جدی به سایر مفسدان اقتصادی به‌ویژه برهم‌زنندگان امنیت اقتصادی جامعه در دستور کار است.